



eISSN: 2981-1791



ORIGINAL RESEARCH PAPER

An Introduction to the Various Interpretations Explanation of “Unity” Concept in Urban Design

Ehsan Sharifian^{(1)*}, Mojtaba Ansari⁽²⁾

1-PhD in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.

2-Associate Professor of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

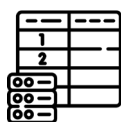
Abstract:

Received: 08/06/2022**Accepted:** 18/06/2022**Keywords:**Unity, Discipline, Structure,
Islamic Urban Design,
Quran

Number of references: 37



Number of figures: 7



Number of tables: 1

Due to its various meaning, the concept of “unity” is used with different aspects within urban design so-called vocabulary. Despite this extent of use, this concept and its multiple and various aspects is not studied properly. On the other hand, most of existing studies about “unity” are undertaken by western approaches while it seems that this concept should be interpretate from devine revelation. According to these statements, this study gives a typology of definitions proposed by experts about “unity” and the way they applied it to urban design. The recognition between these diverse approaches relation is made through descriptive-analytical methods. Finally, after exploring the Quran’s attitude toward unity (according to the Tadabbor method), it is compared with other definitions and approaches. According to Quran’s attitude, perfect unity could be reached just by the accordance and compatibility of three systems, named: “active system of causes” (refer to active cause in philosophy), “inner system of causes” and “ultimate system of causes”. Other approaches to unity which are classified into nine types, usually focus on just one or two of these systems. This shows the lack of comprehensiveness of “unity” concept and the importance of the three condition of unity system throughout urban design.

©2022 ,UST.All rights reserved.

Publisher: Imam Khomeini
International University (IKIU)doi: [10.30479/UT.2022.17364.1105](https://doi.org/10.30479/UT.2022.17364.1105)*Corresponding Author: Ehsansharifian00@yahoo.com

درآمدی بر تبیین انواع تعابیر موجود از مفهوم «وحدت» در طراحی شهری

احسان شریفیان^(۱)، مجتبی انصاری^(۲)

۱- دانش آموخته دکتری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 ۲- دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

در ادبیات طراحی شهری مفهوم «وحدت» به دلیل وسعت معنایی از ابعاد متنوعی بکار گرفته شده است، اما علی‌رغم این وسعت استعمال، جایگاه آن، آنگونه که شایسته است مورد بررسی قرار نگرفته و ابعاد متعدد آن هر یک در جایگاه خویش تبیین نشده‌اند. نکته دیگر آن که در پژوهش‌های موجود عمده تأکید بر منابع غربی بوده است در حالی که به نظر می‌آید تبیین موضوع وحدت و دستیابی به حقیقت آن نیازمند رجوع به وحی الهی و اخذ دیدگاه این ساحت گرانقدر پیرامون وحدت است. براین اساس این پژوهش کنکاشی اولیه در مورد ماهیت این مفهوم و انواع تعابیری که صاحب‌نظران مختلف از وحدت و نحوه تحقق آن در طراحی شهری داشته‌اند، انجام داده و نسبت این رویکردهای متنوع را به یکدیگر طی روشی توصیفی - تطبیقی بازشناسی نموده است. در نهایت با استخراج رویکرد قرآنی به مقوله وحدت (با روش تدبیر)، نسبت رویکردهای موجود با آن به عنوان اصل و محور مورد سنجش قرار گرفته است. مطابق نتایج این تحقیق، وحدت حقیقی مطابق نگاه قرآنی با هماهنگی در سه محور نظام فاعلی، داخلی و غایی ممکن خواهد بود. اما در رویکردهای موجود که در نه دسته اصلی قابل تقسیم‌اند بطور عمده تنها بر یکی از سه شرط اصلی تحقق وحدت به نحو حقیقی (مطابق با رویکرد قرآن) تأکید شده است. این امر نشان از آن دارد که وحدت حقیقی در طراحی شهری امروز آنطور که شایسته است، تبیین نشده و لذا امکان تحقق آن بدون انجام پژوهش‌های منسجم برای نحوه محقق ساختن شروط سه‌گانه وحدت ممکن نخواهد بود.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸
 تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸
 صفحات: ۳۸-۲۴

واژگان کلیدی:

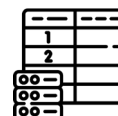
وحدت، نظم، ساختار، طراحی شهری اسلامی، قرآن



تعداد منابع: ۳۷



تعداد شکل: ۷



تعداد جداول: ۱

ارجاع به این مقاله: شریفیان، احسان و انصاری، مجتبی (۱۴۰۱). درآمدی بر تبیین انواع تعابیر موجود از مفهوم «وحدت» در طراحی شهری. اندیشه راهبردی شهرسازی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۳۸-۲۴.

©2022, UST. All rights reserved.

۱- مقدمه و بیان مسئله

بیان چرایی و ضرورت پرداختن به یک امر و صرف زمان برای تحقیق پیرامون آن در سه رویکرد قابل خلاصه است. رویکرد اول، نگرشی مسئله‌محور است، که مطابق آن محقق به خاطر وجود مسئله، معضل و سؤالی که در وضعیت موجود با آن روبروست پژوهش پیرامون موضوعی را ضروری احساس و آن را دنبال می‌کند. رویکرد دوم، براساس نگرشی تجددخواهانه شکل می‌گیرد. محقق بدون هیچ پیش‌فرضی تنها به دنبال موضوعات جدید پژوهشی است و در آن سنخ موضوع و تطابقش با شئون مختلف رشته علمی و یا حتی مزیت کاربردی آن مدنظر نیست. رویکرد سوم، نگرشی وظیفه و یا هدف محور را پی می‌گیرد. در این نگاه حوزه پژوهش متناسب با اهداف عالی‌رشته علمی و یا هماهنگ با وظایف انسانی که بر دوش محقق است، اختیار می‌شود. رویکرد بهینه و جامع آن است که بتواند با اولویت دادن به رویکرد هدف محور، دو رویکرد دیگر را نیز زیر چتر خود قرار داده و پژوهش را به سمتی سوق دهد که در راستای تأمین اهداف و انجام وظایف، در عین روحیه خلاقیت و تجددخواهی مسائل کاربردی را با نگاهی از بالا پاسخ گوید.

با توجه به نگاه فوق، در رشته طراحی شهری نیز باید وظیفه انسان و هدف وی بازشناسی شود. در نگاه قرآنی انسان جانشین پروردگار در زمین است، چنانکه می‌فرماید: ﴿أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱. مطابق این تعبیر و اشاره به کلمه «خلیفه» و همین‌طور با دین‌زنگرفتن سایر سور و آیات قرآنی می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که وظیفه انسان این است که تا سرحد امکان در تمام شئون خود پیرو مستخلف‌عنه (خداوند) باشد و «برابر علم او صاحب اندیشه شود و مطابق اراده او صاحب انگیزه» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۴). به بیانی دیگر، اقتضای جانشینی و خلافت آن است که چه در مقام بینش و دانش، چه در ساحت اراده و انگیزش و چه در حوزه کنش و منش پیروی تام و انطباق تمام با مستخلف‌عنه وجود داشته باشد. در همین راستا عمل انسان باید هم‌رنگ، هم‌سنخ و هم‌جنس باشد با آنچه حق تعالی در خلقت جهان ترسیم و تنظیم نموده است. طراحی شهری نیز، از آنجایی که یکی از شئون علمی و عملی انسان است، یکی از مصادیق و شئون خلافت و جانشینی انسان نسبت به پروردگار است. بنابراین در این ساحت نیز ضروری است عمل و فعل انسان تبلوری باشد از فعل خداوند آفرینش.

با تحلیل عالم آفرینش و توجه به آیات و نشانه‌های تکوین و تشریح چنین حاصل خواهد شد که وحدت کیفیت مسلط بر خلقت خداوندی در سراسر آفرینش است. آیات و سور مختلف

قرآن به این مقوله اشاره نموده و آن را متذکر شده‌اند؛ چنانکه آیه ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۲ نوعی وحدت را در خلقت به تصویر می‌کشد و بیان می‌دارد که خلق خدا در زمینه واحد ایجاد شده و به غایت واحد رودارد. در این آیه خلق خداوند همراه با هدایت از طرف پروردگار مطرح شده است و این خود نشان می‌دهد که در جهان آفرینش «هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شده است، در نتیجه هم‌نظام فاعلی آن [که در رأس و قله آن ذات باری تعالی است] منسجم و عالمانه است و هم‌نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم‌نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است» (همان: ۲۱ و ۲۲). بر این مبنا و با توجه به معارفی که در سوره‌های متعدد قرآن و در آیات فراوان آمده، می‌توان این‌طور ادعا کرد که وحدت مفهوم مسلط و جاری در خلقت به عنوان فعل الهی است. لذا انسان که خلیفه پروردگار است باید در افعال خود مانند وی عمل نماید و چون ویژگی فعل خداوند وحدت در عالم خلقت است، لذا انسان هم باید اعمالی انجام دهد که از وحدت برخوردار باشند.

طراحی شهری هم که یکی از شئون جانشین پروردگار است، باید به‌گونه‌ای انجام شود که متناسب با فعل وحدت‌مدار پروردگار از وحدت حقیقی و اصیل برخوردار باشد. به سخنی دیگر، طراحی شهری به‌عنوان یکی از شئون عملی انسان و یکی از مصادیق عمران و آبادانی زمین باید با وحدت در سه نظام فاعلی، داخلی و غایی همراه باشد. انسان، خلیفه پروردگاری که این چنین جهان را تدبیر نموده باید خود را ملزم بداند که در زمینه طراحی شهری، به عملی دست بزند که محتوایش و محصولش حاکی از وحدت حقیقی باشد که بی‌عیب در ارتباط با سایر اجزای عالم به فعالیت بنشیند، خود را به جلو برده و بقیه را تکمیل نماید.

با توجه به گفته‌های بالا، ضرورت پرداختن به موضوع وحدت و پژوهش درباره آن در طراحی شهری، امری است که به هدف انسان در جهان و جایگاه او در عالم هستی بازگشت دارد. این مطلب دلیل اصلی برای پرداختن به مبحث وحدت است. البته برخی دیگر از دلایلی که طراح شهری را مجاب به بحث پیرامون وحدت می‌کند و مزایای سرلوحه قرار دادن وحدت را بیان می‌نمایند، نیز قابل ذکر است از جمله اینکه: وحدت، ضامن دستیابی به اهداف، کیفیتی هماهنگ با فطرت انسان، ضامن عدالت، نیاز جامعه توحیدی، مؤلفه اساسی در تاریخ شهرسازی اسلامی، کیفیت مسلط بر طبیعت، موجب زیبایی و آرامش روانی و موجب ارتقای کارایی است (شریفیان، ۱۳۹۰).

با توجه به محدودیت این نوشتار تعاریف مفاهیم مرتبط با وحدت و ارتباطشان با وحدت در جدول شماره ۱ به صورت خلاصه بیان شده است^۳. مفاهیم در سه دسته اصلی قابل تقسیم هستند:

● در دسته اول از مفاهیم، توجه بطور خاص به روابط بین جزء و کل است. گاه رابطه اجزاء با کل با تمرکز بیشتر بر کلیت مورد نظر است، مانند آنچه در مفهوم وحدت، نظام، کل، انسجام و... وجود دارد؛ و گاه روابطی که نوعی از کلیت را بین اجزا ایجاد می‌کنند مهم است برای مثال در مفهوم ساختار سلسله مراتب، الگو و... .

● در دسته دوم از مفاهیم، توجه بطور خاص به روابط چند بعدی و غیرخطی خود اجزاء با یکدیگر معطوف است. گاه روابط بین اجزا در سطح عینی و ذهنی مدنظر است مانند مفهوم تجلی و تداعی؛ و گاه روابط غیرخطی بین اجزاء با تمرکز بیشتر بر جزء نظر می‌شود برای مثال در مفهوم ترکیب تمرکز، اتحاد و... .

● در دسته سوم از مفاهیم، نظر بیشتر بر روابط خطی و صوری اجزا تمرکز دارد. گاه روابط خطی بین اجزاء مدنظر است برای مثال در مفهوم پیوستگی، تداوم، اتصال و...؛ و گاه توجه صرفاً بر قرابت دو جزء معطوف است مانند آنچه در مفهوم مشابهت، همسانی و... وجود دارد.

با توجه به دسته‌بندی فوق، مفهوم وحدت، در زمره دسته اول مفاهیم که در آنها روابط جزء و کل با نظر بر کلیت مورد توجه است، قرار می‌گیرد.

در اینجا تفاوت مفهوم وحدت با پنج مفهوم دیگر لازم است به طور خاص ذکر شود: اتحاد، انسجام، کل، هماهنگی و یکسانی:

- منظور از اتحاد در یک دسته واحد قرار گرفتن است اما مفهوم وحدت به نوعی موجودیت واحد یافتن اشاره دارد.
- انسجام کیفیتی است که در آن درهم تنیدگی اجزاء به صورت غیر قابل تفکیک و عدم انحرافشان از کل مدنظر است، حال آنکه وحدت در سطحی عالی‌تر مطرح می‌شود و آن یافتن موجودیت واحد در پرتوی نوعی انسجام «وجودی» است.
- مفهوم کلیت با وحدت در ارتباط عمیقی است. به عبارت ساده کلیت در شرایطی است که اجزاء در کنار هم و به صورت هم‌ارز در کلیت مستحیل شده باشند، اما وحدت یک سطح بالاتر از این است و آن اینکه اجزاء خود در یکدیگر مستحیل گردیده باشند؛ چراکه در تعریف وحدت بیان شد که اجزاء در ذات و در یک رابطه وجودی با دیگری مرتبط هستند، یعنی وجود یکی با دیگری گره خورده است.

با مرور پیشینه طراحی شهری نیز به کارگیری و عنایت ویژه به مقوله وحدت خودنمایی می‌کند. ابعاد متعدد این مفهوم در طراحی شهری مطرح شده است. اما انسجام روشنی میان گفته‌های مختلف راجع به این موضوع در عمل وجود ندارد؛ حتی واژه‌شناسی مشخص و دقیقی در این باب نمی‌توان یافت. همین امر موجب شده یک تئوری واحد و کارا در این باب شکل نیابد. بسیاری در کتب مختلف از «وحدت» به عنوان یک آرمان صحبت نموده، اما در نهایت در مقام عینیت و عمل به نتایج متفاوتی می‌رسند. این شرایط چنین می‌نمایند که جایگاه مفهوم «وحدت» - با ضرورتی که در صدر نوشتار بیان گردید - در طراحی شهری آنگونه که شایسته است مورد کنکاش قرار نگرفته و ابعاد متعدد آن هر یک در سطح و جایگاه خویش تبیین نشده‌اند.

۲- پیشینه تحقیق

طبق بررسی اولیه نگارنده نزدیک به ۶۵ واژه مرتبط با مفهوم وحدت وجود دارد که بعضی در طراحی شهری بکار گرفته می‌شود (همان). افراد مختلفی هر یک با استفاده از واژگان مختلفی به مقولات مرتبط با وحدت نگاه کرده و تعاریف و تعبیر متعددی را در این حیطه ارائه داده‌اند. با توجه به بررسی‌ها در میان حدود ۲۰ واژه مرتبط و توجه به آراء صاحب‌نظران مختلف به نظر می‌آید وحدت مفهومی است که از میان تمامی مفاهیم دیگر و تمامی مواردی که به نوعی مرتبط با وحدت هستند، جایگاهی والاتر دارد هر چند نمی‌توان وحدت را بدون توجه به آنها محقق ساخت. وحدت در لغت عرب به معنای (Moughtin, 2003: 59) یکتایی در ذات یا در صفت است. باید توجه داشت وحدت (مانند فرد) به معنای یکی بودنی که در مقابل دوتا بودن فرض می‌شود، نیست؛ بلکه کیفیتی صرفاً براساس یکتایی است (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۵۰ ق.). اما در اصطلاح، «وحدت به کیفیتی گفته می‌شود که در آن کثرت‌ها و اجزاء به نحوی کنار هم ارتباط می‌یابند و به نحوی وجود و ذات خود را در تمایل نسبت به دیگری و در هماهنگی با دیگری قرار می‌دهند که نهایت کار یک موجودیت واحد، یکتا و غیر قابل تجزیه تشکیل می‌شود که تمامی احکام یک وجود واحد بر آن جاری است» (شریفیان، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در طراحی شهری نیز همچون تعریفی از وحدت رواج دارد. هر چند هر یک از صاحب‌نظران یا بخشی از این تعریف را تأکید نموده و یا علاوه بر این تعریف مفاهیم دیگری را بر اصل معنای وحدت اضافه کرده‌اند.

الگوهای حاکم بر شکل شهر را «تداعی کننده» وحدت حاکم بر نظام آفرینش است و بر این اساس چنین استدلال می‌کنند که بین این مصنوع بشر با خلقت وحدت وجود دارد. تحلیل این رویکرد چنین نشان می‌دهد که تفسیر آنها از جهان آفرینش منجر به نتایجی شکل‌پذیر و فرمیک می‌گردد. تفسیری که وحدت حاکم بر حقایق مجرد ملکوتی را در قالب شمایی ملموس و نمادهایی حکایت‌گرا ارائه می‌دهد. تناسب بین این تفسیر شمایی با ترکیب شکلی عناصر شهر و تداعی‌کنندگی اشکال و ترکیبات شهری نسبت به شمایل نمادین موجب شده است این گروه حکم به وحدت در شهر کنند و ماهیت آن را با این فرآیند جستجو نمایند.

به‌طور عمده نادر اردلان و لاله بختیار سردمدار چنین رویکردی هستند که در بخش‌هایی از کتاب «حس وحدت» متجلی شده است. به‌عنوان مثال، اردلان و بختیار مناره در معماری را در مقام تأویل باطنی یادآور روح آدمی می‌دانند که «حسرت بازگشت به خاستگاه ازلی‌اش را دارد» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۳)، نمادی از محور هستی انسان و بعد عمودی وجود وی. در این تعبیر صرفاً شباهت ظاهری مناره و عمودیت آن چون تداعی‌گر نظام طولی در وجود انسان است، به این معنا تأویل شده است. سید حسین نصر نیز در برخی از کتب خود چنین رویکردی را به نحوی در لابلای تحلیل‌های خود بروز می‌دهد. آراء بورکهارت راجع به وحدت را هم می‌توان در میان این دسته جای داد (براساس اردلان و بختیار، ۱۳۸۰؛ نجیب اغلو، ۱۳۷۹: ۱۳۸۹، نصر، ۱۳۸۹)

● وحدت صوری و شکلی

در این رویکرد، مفهوم وحدت بیشتر به نوعی از اتصال پیوسته نقوش، سطوح و احجام به یکدیگر اطلاق می‌شود که در نهایت کلی منسجم را پدید آورد. در این نگاه عمده تحلیلها ابژکتیو و عینیت‌گرا بوده و وحدت با معیارهای صرفاً عینی بررسی می‌شود. معیار اصلی تحقق وحدت در این نگاه، وجود اتصال چند جانبه بین اشکال و احجام، قاعده‌مندی این اتصالات و درهم تنیدگی اشکال و احجام با هم و در نتیجه عدم انحراف آنها از کل ترکیب است. براساس این رویکرد برای تحقق وحدت عموماً اصول نظم‌دهنده وجود دارد و الگوهایی برای ایجاد آن ارائه می‌شود. برخی از صاحب‌نظران که چنین تعبیری از وحدت را مدنظر دارند عبارتند از: گوردن کالن (که البته در عالی‌ترین سطح از این رویکرد قرار دارد)، چینگ، که عمدتاً وقتی از نظم صحبت می‌کند رویکرد شکلی را مدنظر دارد (و البته در مواردی تأکید وی بر فضا و نگاه فضایی وی غیرقابل انکار است)، ویتروویس، پالادیو، آلبرتی، فون مایس، توسلی

منظور از هماهنگی ارتباط چند جزء است؛ به نحوی که آن اجزاء دارای هدف مشابه یا آهنگ و قصد یکسان باشند و در نتیجه هریک در جایگاه خودش به اندازه خود نقش داشته باشد. بنابراین تحقق وحدت جزء از راه هماهنگی اجزاء میسر نیست زیرا برای دستیابی به وحدت بین اجزاء یکسانی غایت و هدف شرط لازم هرچند تحقق وحدت ارتباط بیشتری بین اجزا را نسبت به هماهنگی صرف می‌طلبد.

وحدت با یکسانی در دو سوی متقابل قرار دارند. هیچ نوع وحدتی با یکسانی سازگار نیست چون مقدمه تحقق وحدت وجود کثرت‌های متنوع است و الا وحدت در یکسانی امری بی معنا جلوه می‌کند (شریفیان، ۱۳۹۰).

۳- مبانی نظری

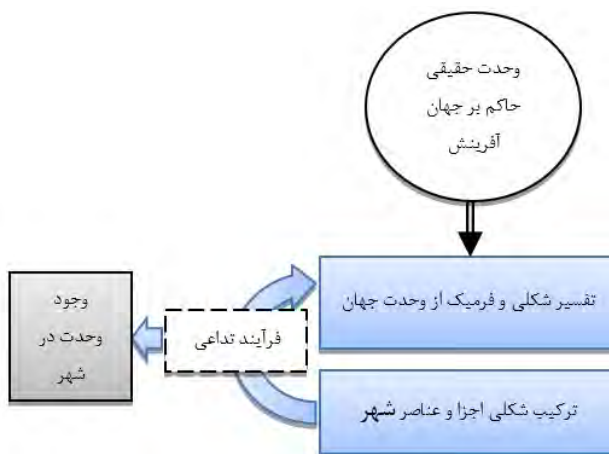
شناخت معنای لغوی و اصطلاحی وحدت و درک جایگاه آن در میان سایر مفاهیم مرتبط، برای تبیین ماهیت وحدت و چگونگی بروز آن در طراحی شهری و اینکه به چه نحوی وحدت در این رشته نقش بازی کرده و خود را در عرصه‌های مختلف ظهور می‌بخشد، کفایت نمی‌کند. تفاوت میان صاحب‌نظران در بحث ماهیت و نحوه ایجاد و تحقق وحدت بسیار بیش از تفاوتی است که میان ایشان در تعریف وحدت دیده می‌شود. بنابراین لازم است این تفاوت‌ها تبیین شود و نگرشی ارائه شود که بتوان مطابق آن وحدت را در طراحی شهری پیگیری نمود. براساس بررسی‌ها و مطالعات، ده رویکرد اصلی نسبت به ماهیت وحدت وجود دارد که در ادامه هریک توضیح داده خواهند شد:

● وحدت تداعی

در این رویکرد، ماهیت وحدت براساس نوعی تداعی‌گری جستجو می‌شود و بر محور فرآیند تداعی شکل می‌یابد. توضیح آنکه قائلان به این نگاه، جهان آفرینش را حاوی وحدت اصیل دانسته و بر این نظر تأکید دارند که این وحدت در معماری و شهرسازی نیز بروز داشته است. نگاه این افراد به وحدت جهان آفرینش عموماً به صورت عمومی ماهیتی عرفانی دارد و حتی در مواردی ادبیات ایشان قرابت زیادی با مسلک متصوفه می‌یابد. تحلیل ایشان از جهان آفرینش و نظام‌های حاکم بر آن پیرو توجه گسترده آن‌ها به مقوله نماد و مسئله تأویل، نوعی از شکل‌پذیری و خصوصیات فرمیک پیدا می‌کند. در این رویکرد نحوه بروز و ظهور یافتن کیفیت وحدت در معماری و شهر براساس فرآیند تداعی تبیین می‌شود. پیروان این رویکرد به‌صورت تلویحی شکل و شمایل و ارتباط اجزای شهری و



شکل ۱- اوج وحدت شکلی در گنبد مسجد شیخ لطف‌الله



نمودار ۱- تبیین نحوه تحقق وحدت در رویکرد وحدت‌تداعی (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۲- ادراک یک موجودیت واحد با وجود شکل غیرمنسجم

• وحدت فضایی

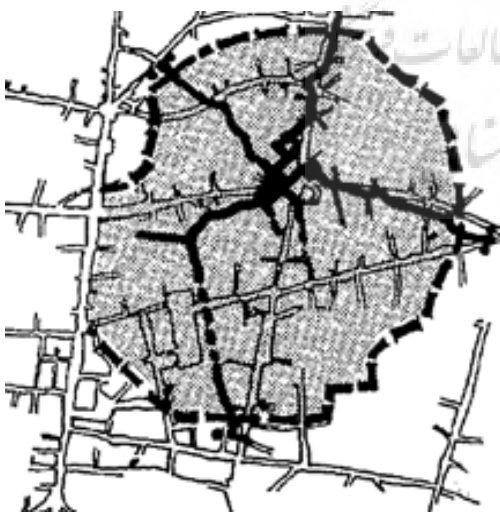
در این تبیین از وحدت، فضا نقش اساسی ایفا می‌کند. فضا به عنوان موجودیتی مثبت که می‌تواند در لابلای توده‌ها حرکت کند و حسی پیوسته بوجود آورد شناخته می‌شود. از این زاویه نگاه، هنگامی وحدت وجود دارد که فضاها (که از مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی تشکیل شده‌اند و یک کیفیت قابل تجربه هستند) بصورت منسجم به یکدیگر متصل باشند و انقطاع فضایی رخ ندهد. در این نگرش، وحدت اولاً ماهیتاً امری فضایی بوده و ثانیاً منتج از اتصال فضاها و تجربه ممتد آن‌ها و در نتیجه کیفیت غیرمنقطع فضاهاست. در این رویکرد انسجام و وحدت در جنبه بصری و شکلی محیط به تنهایی اهمیت ندارد و از آن جهت مهم است که موجبات وحدت فضایی را فراهم

(که در برخی موارد وحدت را صرفاً در قالبی صوری و شکلی می‌بیند)، ریچارد هدمن در کتاب «مبانی طراحی شهری»، و سیوس وُنگ در کتاب «اصول فرم و طرح» (تولایی، ۱۳۸۶؛ چینگ، ۱۳۸۶؛ فون مایس، ۱۳۸۶؛ عمومی، ۱۳۸۷؛ توسلی (بی‌تا)، ۱۳۷۶؛ ۱۳۸۳؛ هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۷؛ Moughtin, 2003؛ وُنگ، ۱۳۸۸).

براساس این نگاه، مجموعه‌ای از عناصر شهری دارای وحدت تلقی می‌شود که در مقام ادراک بصورت واحد درک شود. اجزا و عناصر هر یک پیام و معنایی منتقل می‌کنند و کنارهم قرارگیری آنها و پیوند بین پیام‌های آنها ممکن است به نحوی باشد که نهایتاً ترکیبی واحد با پیام و معنایی واحد به مدرک منتقل گردد. در این رویکرد تأکید بر تحلیل‌های سوژکتیو بوده و وحدت نیز در ذهن افراد محقق می‌شود. تفاوت وحدت صوری با این نگاه به وحدت در این است که این رویکرد علاوه بر توجه به اشکال و احجام، به معانی و پیام‌ها نیز عنایت داشته و آنها را مؤثر در به وجود آمدن وحدت می‌داند. این نگاه به وحدت نسبت به رویکرد صوری، یک گام جلوتر گذاشته و وحدت را با در نظر داشتن مؤلفه‌های جامع‌تری بررسی می‌نماید. همین امر، این نگاه به وحدت را در جایگاه بالاتری قرار می‌دهد. پیروان مکتب بصری گشتالت، نظریه اطلاعات، و افرادی چون گروتز، دونیس ا. داندیس در کتاب «مبانی سواد بصری»، سایمون بل (در برخی موارد) می‌توانند نمونه‌هایی از این دسته باشند (فرشاد، ۱۳۶۲؛ گروتز، ۱۳۸۳؛ داندیس، ۱۳۸۳؛ بل ۱۳۸۷)

از وحدت و مقولات مرتبط با آن صحبت به میان آورده باشد و نیم‌نگاهی به موضوع ساختار نداشته باشد. لازم به ذکر است که مفهوم ساختار در اینجا، صرفاً استخوان بندی شهر نیست، بلکه همانطور که در بخش اول همین فصل بررسی گردید، مفهوم ساختار علاوه بر در نظر گرفتن مفاهیم کالبدی، به مقولات عملکردی همچون دسترسی و نظام ارتباطات و نظام‌های معنایی و مفهومی در شهر نیز اشاره دارد. این رویکرد نسبت به وحدت فضایی، وحدت ادراکی و وحدت شکلی، دارای جامعیت بیشتری بوده و می‌تواند تا حدود زیادی ما را به وحدت حقیقی نزدیک نماید، چراکه نسبت به رویکردهای مطروحه، توانسته است مدل و طراحی ارائه دهد که طبق آن - به عنوان یکی از لوازم وحدت- جزء و کل در یک رابطه نظام مند در کنار هم تعریف شوند. مفهوم ساختار مبتنی بر این نگرش نوعی الگوی اصل و فرع به دست می‌دهد که طبق آن «کل» مسلط بوده و جزئیات در عین انعطاف می‌توانند مورد کنترل قرار گیرند. چنین نگاهی در رویکردهای قبلی وجود نداشت.

نخله‌های متعددی چون آرکیگرام‌ها، گروه ده، افرادی چون ادموند بیکن، لینچ (بالاخص در بعد ساختارهای معنایی)، کنستانتین دوکسیادیس، ملیحه حمیدی (در کتاب استخوان بندی شهر تهران)، اهری (بالاخص در اوایل کتاب مکتب اصفهان در شهرسازی) و... چنین نگرشی به وحدت را گسترش داده‌اند (حمیدی، ۱۳۷۶؛ بیکن، ۱۳۸۶؛ تولایی، ۱۳۸۶؛ اهری، ۱۳۸۵).



شکل ۴- ساختار: وحدت بخش شهر

آورد؛ همینطور آن بخش از معانی و پیام‌های محیط مورد توجه هستند که تجربه فضایی عموم مردم شهر را شکل دهند و موجب تحقق وحدت فضایی گردند. براین اساس این رویکرد مجموعه گسترده‌تری از عوامل را برای پیدایش وحدت در شهر مؤثر می‌داند: فضاها به معنای کیفیات تجربه شده باید متصل بوده و امتداد تجربه را موجب شوند.

افرادی چون توسلی (به صورت عمده)، نادر اردلان (بالاخص با تعبیرات وی در بخش آخر کتاب مشهورش)، و بیکن (در برخی مباحث کتابش) می‌توانند معرف این نگاه به وحدت باشند (توسلی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۶؛ اردلان، ۱۳۸۰؛ بیکن، ۱۳۸۶).



شکل ۳- اتصال فضاها و در نتیجه تحقق وحدت در نگرش (وحدت فضایی)

• وحدت ساختاری

این رویکرد به بحث وحدت در شهر، رایج‌ترین رویکرد به این موضوع است. چنین نگرشی متضمن این مطلب است که وحدت در شهر حاصل ساختارمندی آن است. اگر شهری، محله‌ای، فضایی و یا حتی عنصری دارای ساختار منسجم باشد، آنگاه می‌توان گفت وحدت نیز دارد. یا به عبارت دقیق‌تر هرچه ساختار گسترده‌تری وجود داشته باشد که بتواند در عین حفظ کلیت، رشد و تغییر اجزا را کنترل نماید و همچنین انعطاف پذیری لازم برای تولید و تنوع اجزا را فراهم آورد، آنگاه به وحدت که همانا پیدایش موجودیت واحد از کثرت‌های موجود است نزدیک خواهیم شد. به خاطر تسلط گسترده نگاه ساختارگرایانه در طراحی شهری، این رویکرد بسیار رایج بوده و کمتر کسی است که

جدول ۱- مقایسه واژگان و کیفیات مرتبط با مقوله وحدت با یکدیگر (مأخذ: نگارندگان)

رویکرد	ماهیت رابطه	واژه	مفاهیم مورد تاکید	نسبت با سایر واژگان	نسبت با وحدت
توجه به روابط جزء و کل	رابطه اجزاء با کل (با نظر به کل)	وحدت	ارتباط ذاتی و ماهیتی اجزا با یکدیگر به نحوی که نهایت کار یک موجودیت یکتا و غیر قابل تجزیه تشکیل شود	سطحی عالی تر نسبت به تمامی واژگان	انطباق
		نظام	مجموعه بسته اجزا با هدف مشخص	اعم از نظم	شرط لازم و ضروری (وحدت) باید این کیفیات را داشته باشد)
		کل	ترکیب در هم تنیده اجزا	عام تر از نظام	
		انسجام	ترکیب نرم و روان اجزا	نزدیک به وحدت	
		یکپارچگی	کلی با اجزای همگن و نامتفاوت	نازل تر از وحدت	
هماهنگی	اجزایی با هدف، قصد و آهنگ همسان	کیفیت ضروری نظام			
روابط موجد کلیت در بین اجزاء	رابطه اجزاء	ساختار	پس زمینه‌ای از روابط مدل دار و تعریف شده و قوانین «شکل یافته» و مستحکم که فرعیات را شکل داده و متناسب با خود تحقق می‌بخشد	-	تلازم غالبی (غالباً)
		الگو	نظم مخفی تعریف شده و تکرارشونده در بین اجزا	عینی تر از ساختار	وحدت با این موارد همراه است)
		سلسله مراتب	قرارگیری مراتب مختلف اجزا با نظم متناسب	-	
توجه به روابط بعدی و غیرخطی خود اجزاء	رابطه اجزا در دو سطح عینی و ذهنی	استخوان بندی	مجموعه‌ای از عناصر عینی شهر که منسجم کننده کل شهر هستند	اخص از ساختار	عامل کمک کننده
		تجلی	نمودار شدن مقوله‌ای نظری در عمل	-	مقدمه
		تداعی	نمودار شدن مقوله‌ای نظری در عمل	پویا تر از انضمام	عامل کمک کننده
		نظم	گرد آمدن اجزا با قاعده مشخص	قوی تر از ارتباط	مقدمه
ترکیب	ایجاد ارتباط چندجانبه بین اجزای جدا از هم	-			
تمرکز	جمع شدن اجزاء اصلی در محلی محدود، بنحوی که سایر اجزاء تابع نیروی تجمع یافته اجزاء اصلی باشند	قوی تر و کیفی تر از تجمع			
توجه به روابط خطی و خطی و صوری خود اجزاء	روابط خطی و عرضی بین اجزاء	اتحاد	ایجاد ارتباط چندجانبه بین اجزای جدا از هم	خاص تر از وحدت	عدم تلازم معنادار و همیشگی
		پیوستگی	ارتباط پشت سر هم و جهت دار اجزا	قوی تر از اتصال	
		تجمع	جمع شدن اجزا در مکان محدود	کمی تر از تمرکز	
		تداوم	حس ادامه دار بودن خصوصیات اجزا	حسی تر از پیوستگی	
قربانیت دو جزء	قربانیت دو جزء	اتصال	کنار هم قرار گرفتن فیزیکی اجزا	اخص از ارتباط	عدم تلازم و حتی تنافی
		مشابهت	غلبه یکسانی ویژگی‌ها بر تفاوت اجزا	-	
		همسانی	مشابهت از چند جهت میان اجزا	-	
		یکنواختی	عدم تغییر اجزا در مراتب مختلف طولی-عرضی	-	

● وحدت حسی-تجربی

رویکرد دیگر به مقوله وحدت، براساس نوعی کیفیتی حسی تبیین می‌شود. در این نگاه وحدت بین اجزا و عناصر شهر حاصل ترکیبی بسیار پیچیده و عمیق از اجزاست که تنها در تجربه شهر توسط مردم درک شده و اساساً به خاطر پیچیدگی آن نمی‌توان اسم خاصی بر آن نهاد. تا جایی که این کیفیت حسی عنوان «کیفیت بی‌نام» بر خود گرفته است. وحدت حاصل از وجود چنین کیفیتی نه صرفاً بصری است، نه صرفاً عملکردی، نه صرفاً معنایی و نه صرفاً فضایی. ماهیت آن چندان مشخص نیست اما دستیابی بدان ممکن است. این نگرش به وحدت، این مقوله را در سطحی عمیق‌تر نسبت به نگرش فضایی قرار می‌دهد و آن را حاصل جمع بسیاری از مؤلفه‌ها می‌داند که در جامعه و شهر سنتی وجود داشته است. در این نگاه علاوه بر وحدت ساختار، گامی فراتر گذاشته می‌شود و مفهوم وحدت در سطحی بالاتر طرح می‌گردد. توضیح آنکه در این نگاه هرچند یکی از عواملی که کیفیت حسی بی‌نام را ایجاد می‌نماید، ساختار منسجم شهر است، اما اکتفای به این موضوع نگرشی ناتمام و سطحی به شهر خواهد بود. شهر پیچیده‌تر از آن است که صرفاً با ساختار (که عمدتاً به صورت درختی تعریف می‌شود) فهمیده شده و درک گردد. با تحلیل این نگرش می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد وحدت حسی-تجربی جامعیت و ژرفنای بیشتری نسبت به رویکرد وحدت ساختار دارد و اساساً در تعریف وحدت به موجودیت واحد شهر تکیه بیشتری دارد.

براساس مطالعات اولیه، کریستوفر الکساندر تنها مطرح‌کننده چنین نگاهی به وحدت است. وی صریحاً وجود وحدت در شهر قدیمی را حاصل وجود چنین کیفیتی دانسته و سعی می‌نماید راهکاری ارائه کند که طی فرآیندی مشخص دستیابی به این کیفیت حاصل شود. الکساندر صرفاً به جنبه‌های خاص بصری تأکید ندارد و این کیفیت را برآیند مجموعه‌ای از عوامل تلقی می‌کند. همچنین او صرف اتصال فضایی را محقق‌کننده وحدت نمی‌داند، مطابق نظر وی باید ترکیبی پیچیده و میدانی از مراکز و نظامی غیردرختی وجود داشته باشد تا وحدت تعریف گردد (الکساندر، ۱۳۹۰؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۷۳؛ Alexander, 2002).

● وحدت زمینه‌ای (فرهنگی)

در این نگاه وحدت و نظم عالی موجود در شهر حاصل یکسری از اصول نظم‌دهنده است که این اصول ریشه در فرهنگ مردمان شهر (فرهنگ به معنای عام) و زمینه تاریخی، فکری و فرهنگی آنها دارد. هرگاه از شهری به شهری دیگر منتقل شویم نوع وحدت حاکم بر شهر نیز تفاوت می‌کند، زیرا در هر شهری روندی زمینه‌ای وجود دارد که نظم دهی به شکل شهر و در

نهایت تحقق وحدت را به سرانجام می‌رساند. ممکن است بین فرم‌ها و اشکال در شهر ارتباطی به حسب ظاهر وجود نداشته باشد اما با بررسی علل متوجه خواهیم شد که سیر تفکر مشابه و فرهنگ یکسانی آنها را ایجاد نموده و در حقیقت نظم خاص در پس فرم وجود دارد که موجودیت واحدی را سبب شده است. در این نگاه بیش از آنکه جنبه‌های شکلی شهر مهم و معیار وحدت باشد، اساساً اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و تفکرات هستند که معیار وحدت قرار می‌گیرند یا به عبارت کلی: زمینه‌ها؛ البته وحدت در این حوزه بر نظم شکل شهر نیز تأثیرگذار است. این رویکرد نسبت به رویکردهای پیشین به جای آن‌که نوک پیکان را بر روی ترکیب شکلی شهر ببرد، بر روی نظامات خارجی تأثیرگذار بر آن تأکید نموده است و معیار و علت وحدت را در آنجا جستجو نموده است؛ لذا در دستیابی به وحدت حقیقی تأثیرگذاری بیشتری دارد.

رایپورت بیش از دیگران پیرامون مفهوم نظم و فرهنگ ارائه نظر کرده و این رویکرد را بصورت منسجم تبیین نموده است. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی» پیرامون نظم مجتمع‌های زیستی و زمینه فرهنگی موجد آن مفصل بحث می‌کند. پیروان زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی را نیز می‌توان دارای رویکرد وحدت زمینه ذکر نمود (رایپورت، ۱۳۸۴، چاپ شده در موریس، ۱۳۸۴؛ تولایی، ۱۳۸۶).



نمودار ۲- فرهنگ، علت ریشه‌ای ایجاد نظم و وحدت (مأخذ: نگارندگان، براساس موریس، ۱۳۸۴)

● وحدت فرآیندی

رویکرد دیگر به بحث وحدت و تعریف آن، محوریت قرار دادن موضوع فرآیند است. در این دیدگاه، شهری می‌تواند به وحدت دست یابد که فرآیندی متناسب در پشتیبانی از آن وجود داشته باشد. مطابق این نگاه صرفاً شکل نمی‌تواند کلیت و وحدت ایجاد نماید بلکه لازم است «فرآیند» به معنای عام آن و مباحث رویه‌ای در تحقق وحدت دخیل

بارور شده، پرورش می‌یابد. قرآن از آنجایی که میزان الافکار محسوب می‌شود (الهی‌زاده، ۱۳۸۵)، در هر ساحت علمی می‌تواند افق‌ها را باز کرده و شاهراه‌های اندیشه‌های درست و نادرست را در کلیت خود نشان دهد. قرآن نیز به وحدت از منظر خاص خود نگاه نموده و ماهیت وحدتی که در طبیعت، خلقت و در کل نظام آفرینش وجود دارد را به نحوی که در ادامه می‌آید بیان نموده است. تعریف قرآن از وحدت اینگونه ایجاب می‌کند که این رویکرد و تعبیر از وحدت را با عنوان «وحدت حقیقی» بشناسیم.

۱. اگر نظم را به معنای هماهنگی ظاهری و صوری میان اجزاء بدانیم، در این صورت نظم اعتباری و یا صناعی بوده و تنها به خاطر اعتبارات غیر حقیقی بوجود خواهد آمد. اگر این نظم و وحدت اعتباری مؤید به نظم حقیقی و تکوینی قرار نگیرد در آن صورت مورد قبول قرآن نبوده و براساس وحدت تلقی نمی‌گردد.

۲. اطلاق صفت وحدت بر نظم ظاهری میان اجزای طبیعت، نبود تفاوت در آنها و عدم وجود هر نوع خللی در نقش آفرینی و عملکرد نظام داخلی خلقت {مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ} از آنجایی که مستند به حقیقتی خارجی است و نظم اعتباری محسوب نمی‌شود، از نگاه قرآن محذوری ندارد.

۳. می‌توان به موضوع وحدت از جنبه‌ای دیگر نیز نگاه کرد. بدین بیان که تعریف وحدت را به جای آنکه براساس هماهنگی داخلی، صوری و ظاهری اجزای یک نظام انجام داد، مبنایی عمیق‌تر بخشید و این چنین بیان کرد که دو یا چند جزء را هنگامی دارای وحدت می‌گوییم که نظام فاعلی آنها یکسان باشد. منظور از نظام فاعلی مجموعه یا طیفی از علل یا زمینه‌هاست که موجبات پدیداری یا ایجاد و همچنین شکل یافتن و قوام یک جزء را فراهم می‌آورد.

در نگاه قرآن نظام فاعلی اشیاء در نظام داخلی آن‌ها مؤثر است، یا به عبارت دیگر هر فعلی با فاعل آن سنخیت و هماهنگی دارد؛ چراکه علت در وجود معلول تجلی پیدا می‌کند و چنین ارتباطی مقتضی سنخیت فعل با فاعل است. این معنا در کلیت قرآن جریان دارد و در این آیه به صراحت بیان گردیده است: {قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ} (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۵). «شاکله» به معنای آن طبع باطنی است که مقتضی ایجاد شکل مخصوص در ظاهر و صورت است. براین اساس نهایت معنای آیه آن است که «از کوزه همان برون تراود که در اوست» و عمل انسان تجلی و تراوش باطن اوست به عنوان مبدأ فاعلی فعلش (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۵۱) و این نشانگر آن است که

باشند. بدون توجه به مقولات رویه‌ای و بدون در نظر گرفتن ملاحظات روشی در طراحی نمی‌توان به خلق وحدت مطمئن بود. الکساندر چنین بیان می‌کند که «ما اعتقاد داریم که با وظیفه ایجاد کلیت در شهر تنها می‌توان همچون یک فرآیند برخورد کرد. این وظیفه با طراحی تنها انجام نمی‌شود، بلکه تنها هنگامی تحقق می‌پذیرد که فرآیندی که شهر طبق آن شکل خود را بدست می‌آورد اساساً دگرگون شود» (الکساندر، ۱۳۷۳). در این نگاه فرآیندی می‌تواند ایجاد وحدت کند که هدفش ایجاد وحدت باشد و همچنین لازم است فرآیندهای مختلف که شهر را می‌سازند هماهنگ بوده و خود یک هدف را پیگیری نمایند. جنبه‌ای دیگر از این رویکرد آن است که برای تحقق وحدت باید در فرآیند طراحی شهری، جنبه‌های مختلف از ابعاد کالبدی صرف تا معنایی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد و تمامی احصا شود. همچنین لازم است فرآیندهای زمینه‌ای بوجود آورنده طراحی شهری و حتی فرآیندهای اثرپذیر از آن نیز مدنظر قرار گیرند و طراحی متناسب با آن‌ها شکل گیرد. اگر چنین اتفاقی روی ندهد، انتظار ایجاد وحدت در شهر خامی است. این نگاه نسبت به رویکردهای پیشین در جایگاه بالاتری قرار دارد، زیرا عوامل وحدت را صرفاً در نظام داخلی و محتوای طراحی شهری مدنظر قرار نمی‌دهد و با نگاهی جامع‌تر فرآیندهای شکل‌دهنده را مورد توجه قرار می‌دهد. البته این رویکرد نسبت به رویکرد وحدت تجلی که در آن به دقت شرط تحقق وحدت را بیان شده بود، ضعف جدی دارد.

الکساندر از جمله کسانی است که معتقد به اهمیت فرآیندها در تحقق وحدت است. همچنین متیو کرمونا در کتاب «مکان‌های عمومی، فضاهای شهری» با تأکید بر رویکرد کل‌گرا به طراحی شهری، این‌گونه ذهن را سوق می‌دهد که جزء با توجه به فرآیندهای شکل‌دهنده شهر و حتی توجه به فرآیندها و نهادهای متأثر از طراحی نمی‌توان طراحی مطلوب را به انجام رساند. مدنی‌پور با تفاسیری که در کتاب «طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی» ارائه نموده است را نیز می‌توان در این جرگه جای داد (الکساندر، ۱۳۷۳؛ تولایی، ۱۳۸۶؛ مدنی‌پور، ۱۳۸۷؛ Carmona, ۲۰۰۶).

● وحدت حقیقی

در میان تمامی منابع علمی که رویکردهای مختلفی را در بحث وحدت ارائه نموده‌اند، قرآن منبع ماورای همه و مهیمن بر آنها و جهت‌دهنده سایر منابع است، چراکه این کتاب از مبدأ علم و حکمت مطلق برای هدایت عموم بشر در کلیات بینشی خود نازل شده و لذا هر نوع علمی در کلیات و جهت‌گیری‌های اساسی خود تحت لوای قرآن

سوره مبارکه ملک در آیات اولیه خداوند درباره نظام خلل ناپذیر و سرشار از وحدت خلقت صحبت به میان می‌آورد و چنین بیان می‌فرماید که در این نظام فوت غرض و هدف توسط اجزاء نسبت به یکدیگر وجود ندارد و تمامی در راستای یک هدف حرکت می‌کنند. با دیدن آیه ۲: { الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا } - که متضمن این معناست که نظام تحولات انسان در عالم در جهت یک هدف عالی‌تر یعنی معاد و حسابرسی است - در سیاق آیات سوره و تدبر در آنها می‌توان این برداشت را کرد که غرض واحد این نظام موجبات پیدایش وحدت در عالم را فراهم آورده است (صبحی، ۱۳۸۹). به عبارتی نبود تفاوت در نظام داخلی این عالم زاینده وجود غرض واحد در هستی است.

۵. با توجه به مقدمات فوق می‌توان نگاه قرآن به نحوه تحقق وحدت و ماهیت آن را برآیند حاصل از موارد قبل دانست. بدین بیان که وحدت در یک نظام هنگامی تحقق پیدا می‌کند که:

اولاً اجزای نظام دارای نظام فاعلی هماهنگ باشند. ثانیاً براساس همین نظام فاعلی، نظام غایی هماهنگ داشته باشند.

ثالثاً اگر دو شرط فوق محقق باشد، خودبخود نظام داخلی نیز از وحدت برخوردار خواهد بود. به عبارتی هماهنگی داخلی یک نظام صرفاً نشانه‌ای از وجود نظام فاعلی و غایی واحد و هماهنگ است و خودش یک شرط مستقل در تحقق وحدت نیست.

قرآن پیرامون وحدت در بخش‌های مختلف به تناسب حال تأکید را بر روی یکی از شروط برده و بر روی آن تمرکز می‌نماید اما از جمع بندی و تدبیر موضوعی در این باب چنین استنتاج می‌شود که نگاه قرآن به وحدت، مجموعه موارد فوق است. اولاً هستی در داخل خود شکل و صورتی هماهنگ و متناسب دارد و این نشانه‌ای است از وحدت نه خود وحدت. ثانیاً خالق و نظام فاعلی هستی خود دارای نظامی هماهنگ است که این علت اصلی وجود وحدت در میان اجزای هستی است، ثالثاً نظام غایی، هماهنگ و واحد است و این هم در عالم خلقت موجد وحدت است. هماهنگی این سه نظام فاعلی، داخلی و غایی و واحد بودن نظام فاعلی و غایی در عالم خلقت است که تحقق وحدت را در عالم رقم می‌زند. در این نگاه وحدت صرفاً یک امر زیباشناختی یا یک امر حسی نیست که با هماهنگی صوری و ظاهری اجزاء و تعادل بصری آنها تعریف شود بلکه یک حقیقت در عالم است که جزء

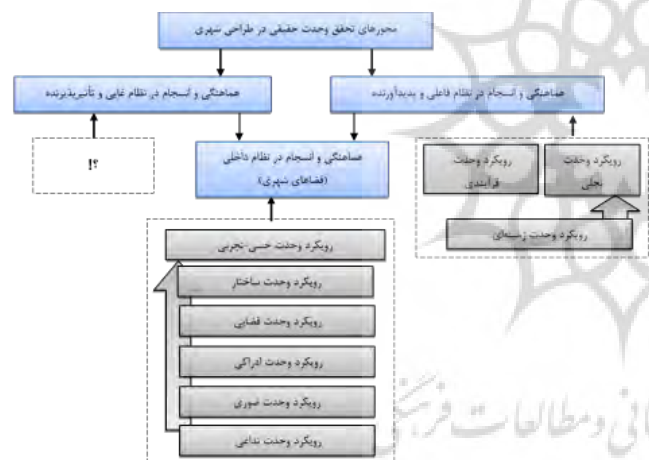
قرآن سنخیت فعل و فاعل را می‌پذیرد. با توجه به این مقدمه روشن می‌شود که در نگاه قرآن هماهنگی میان اجزای یک نظام و وحدت میان آنها یک امر تصادفی و خلق الساعه نیست، بلکه ریشه در هماهنگی و وحدت نظام فاعلی دارد. چون فعل با فاعل همسنخ است پس اجزاء و افعال هماهنگ نشانگر فاعل هماهنگ است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). خلاصه آنکه قرآن در سطحی از تعریف وحدت، نظامی را دارای وحدت حقیقی می‌داند که براساس قاعده مسانخت فعل با فاعل دارای نظام فاعلی هماهنگ و واحد باشد.

آیات فراوانی در قرآن انسان را از وحدت موجود در نظام طبیعت به فاعل یکتای آن متوجه می‌سازد. به عنوان مثال در سوره مبارکه یس چنین می‌فرماید: { وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸) وَالْقَمَرَ قَدْرًا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹) لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ } در سیاق این آیات بحث از نشانه‌های ربوبیت خداوند متعال است و در این آیات نیز نظم موجود در آسمانها میان رفت و آمد خورشید و ماه به عنوان شاهدهی بر وجود فاعل خالق و رب ناظم که یکتاست قرار گرفته است. در آیاتی دیگر در سوره مبارکه ملک چنین می‌فرماید: { أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الظَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرِّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ } در این آیه نظم حاکم بر خلقت پرندگان به مبدأ فاعلی واحد آن نسبت داده شده است.

۴. از بعدی دیگر می‌توان به بحث وحدت نظر نمود. در این سطح از تعریف، وحدت با محوریت غایت و هدف اجزای نظام طرح می‌شود. بیان این مطلب این است که اگر مجموعه‌ای از اجزاء دارای هدف و غایت واحد یا در تعبیری عام‌تر دارای نظام غایی^۴ هماهنگ باشند، آن مجموعه از وحدت برخوردار خواهد بود. به عبارتی توجه به ربط علت غایی با اجزاء و معلولات و لزوم ربط تکاملی هر جزئی با هدف معین یکی دیگر از پایه‌های تبیین ماهیت وحدت را شکل می‌دهد و همین ارتباط موجب نضج وحدت در نظام خواهد بود «وگرنه هرچیزی به هر سمتی گرایش خواهد داشت و پایان و معاد هرموجودی، هر چیز دیگر خواهد بود و این ناهماهنگی غایی، نظیر ناهماهنگی فاعلی [که در مورد قبل بحث شد] موجب هرج و مرج است» (همان: ۲۵). بر این اساس در نگاه قرآن یکی از عوامل ایجاد وحدت میان اجزای خلقت همان علتی است که اجزاء برای آن خلق شده‌اند. در

۴- روش پژوهش

پس از بررسی انواع رویکردها به وحدت^{۱۱}، نوبت بدان می‌رسد که رابطه انواع رویکردها نسبت به رویکرد وحدت وجود دارد: شرط اول: هماهنگی در نظام فاعلی طراحی شهری، شرط دوم: هماهنگی در نظام غایی طراحی شهری و شرط سوم که حاصل دو شرط قبل است اما نیاز است که مورد تأکید قرار گیرد: هماهنگی در نظام داخلی یک طراحی شهری. هریک از رویکردهای مطرح شده نسبت به ماهیت وحدت به بخشی از این سه شرط تأکید ورزیده‌اند و همچنین بعضی در حیطه مورد تأکید خود با جامعیت بیشتر و برخی با رویکردی سطحی‌نگرتر با موضوع مواجه شده‌اند. مطابق با نمودار شماره ۴ تمامی رویکردهای مطرح شده در رابطه با مقوله وحدت عمدتاً محور فرعی وحدت حقیقی را تأمین می‌کنند و بیشتر بدان می‌پردازند، تنها سه رویکرد هستند که هماهنگی نظام فاعلی را مؤثر در ایجاد وحدت می‌دانند.



نمودار ۴- رابطه رویکرد وحدت حقیقی با سایر رویکردها به مقوله وحدت در طراحی شهری (مآخذ: نگارندگان)

این سه رویکرد عبارت‌اند از: وحدت تجلی، وحدت فرآیندی و وحدت زمینه‌ای. در این میان وحدت تجلی و فرآیندی دارای جامعیت بیشتری بوده و در نظر گرفتن هر دو باهم می‌تواند تا حدی بخشی از نظام فاعلی را دربرگیرد. در میان رویکردهایی که به هماهنگی و انسجام در حیطه نظام داخلی می‌پردازند، رویکرد حسی-تجربی دارای جامعیت بیشتری بوده و تمامی دیگر رویکردها را می‌تواند شامل شود. به همان ترتیب مذکور در نمودار رویکرد سطح بالاتر، رویکرد پایین‌تر را دربرمی‌گیرد. نکته مهم آن است که رویکردی که توجه خود را به نظام غایی طراحی شهری مبذول دارد یافت نشد البته افرادی بصورت منفرد و بصورت کمرنگ بدین موضوع پرداخته‌اند (مانند کرمونا) اما به عنوان یک رویکرد نمی‌توان از آن ذکر کرد.

کسانی که دارای بصیرت نافذ هستند به آن توجه ندارند. قرآن کریم در آیات متعدد خود به سه نظام فاعلی، داخلی و غایی در کنار هم اشاره نموده است. در رأس آنها در آیه ۵۰ سوره مبارکه طه موسی(ع) در جواب به فرعون که پرسش از کیستی خداوند تعالی می‌کند چنین می‌فرماید: {قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى}. تبیین لطیفی که حضرت موسی(ع) ارائه می‌دهد مشتمل بر هماهنگی سه نظام فاعلی خلقت (ربنا الذي اعطى)، نظام داخلی اجزای خلقت (كل شيء خلقه) و نظام غایی آن (ثم هدى) است. این آیه چنین می‌فهماند که خلقت هر شیء محفوف به دو نظام یکی قبل و دیگری بعد از آن است که هر دو بدست خدای اول و آخر است. یکی مبدأ و نظام فاعلی و دیگری معاد و نظام غایی. نظر به هر موجودی و هر نظامی خارج از توجه به این دو نظام، نگاهی سطحی و ابتر است. در آیات متعدد دیگر همچون آیه ۱۵ سوره ملک نیز اشاره به این سه نظام در کنار هم دیده می‌شود: {هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ}۹. با تدبیر در مجموع آیات ۲۲-۱ سوره نحل نیز این معنا که نظام فاعلی و نظام غایی عالم موجبات وحدت در نظام داخلی را فراهم آورده‌اند نیز قابل استنباط است^{۱۰}.

با بررسی موضوع وحدت و نظم در قرآن، روشن شد که از دیدگاه این کتابی آسمانی نه تنها نظم اعتباری، قراردادی و غیر حقیقی به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه هماهنگی صوری و ظاهری پدیده‌ها در نظام داخلی خودشان نیز فی نفسه و صرف‌نظر از مبدأ و معاد آنها متعلق بحث وحدت نیست و اساساً قرآن وحدت را با مفهوم هماهنگی ظاهری تعریف نمی‌کند. از مباحث پیشین معلوم شد که پرداختن به نظم ظاهری میان پدیده‌های طبیعی میان اجزاء در قرآن نه از آن جهت که این خود یک وحدت حقیقی است بلکه از آن جهت است که این هماهنگی نشانه‌ای است از وحدت حقیقی موجود در عالم. بدین بیان که وحدت در هر نظامی در نگاه قرآن دو شرط اساسی دارد: اولاً نظام فاعلی واحد و یا حداقل هماهنگ باشد که در این صورت براساس قاعده سنخیت فعل با فاعل اجزاء نیز دارای سطحی از وحدت خواهند بود. ثانیاً نظام غایی واحد یا حداقل هماهنگ باشد که در این صورت وحدت در نظام محقق خواهد شد و در این صورت نشانه آن هماهنگی ظاهری اجزاء و تناسب آنها با هم خواهد بود. این تعریف از وحدت، تعریفی ناب و بسیار عمیق است که در بخش‌های بعدی از آن استفاده بیشتری خواهیم برد. حقیقی تبیین گردد. وحدت حقیقی در طراحی شهری وحدتی است که در آن دو شرط اصلی و یک شرط فرعی

۵- نتیجه گیری

آنچه از مرور ادبیات و پیشینه بحث وحدت می‌توان پی برد آن است که برای ایجاد و تحقق وحدت حقیقی اولاً رویکردهای موجود تمامی محورها را پوشش نمی‌دهند و بیشتر به محور فرعی وحدت حقیقی توجه کرده‌اند و از جنبه‌های اصلی و علل مهم ایجاد وحدت غافل مانده‌اند، ثانیاً خود رویکردهای موجود نمی‌تواند جامعیت لازم برای تعریف و تبیین هر یک از محورها را تأمین کند.

تبیین نارسای این‌چنین از امور و غفلت نمودن از نظام فاعلی و غایبی حوزه‌های مختلف آن چیزی است که بر خلاف سیره و دأب خداوند در قرآن می‌باشد. از آنجایی که هر جزئی از نظام آفرینش در ارتباط با جزء دیگر است، نمی‌توان بدون توجه مبادی و غایات اجزا را به درستی تحلیل نمود. چنین تبیین ناصوابی از عالم، انسان را از امور مهم‌تر غافل نموده و وی را سرگرم آن چیزی می‌کند که هدف نیستند. برعکس با تبیین نظام فاعلی و غایبی و درکنار تعریف سیر افقی امور، پرداختن به سیر عمودی آن‌ها، علوم و امور از ایستایی رهنانیده شده و پویایی لازم را می‌یابند تا بتوانند در جهتی حرکت کنند که به معنای حقیقی کلمه در وحدت با تمامی عالم چه مادی و ملکوتی باشد.

براین اساس لازم است رویکرد حقیقی به وحدت که تنها راه دستیابی به وحدت همه جا گستر و پایدار در جهان است در طراحی شهری نیز مدنظر قرار گیرد. در غیر این صورت طراحی شهری چنان که در حال حاضر چنین وضعیتی دارد بدون توجه به مبادی حتی مادی و این جهانی‌اش و غایات دنیوی‌اش مدنظر قرار می‌گیرد. چنین طراحی شهری نه تنها نمی‌تواند به زندگی انسان و جامعه در کلیت خود کمک نماید و نه تنها موجب خواهد شد زندگی دنیوی انسان (صرف‌نظر از زندگی اخروی او) ترکیبی ناموزون پیدا کند، بلکه چنین حوزه‌ای به طریق اولی ماهیتاً نمی‌تواند در خدمت تعالی انسان و جامعه و رشد او در جهت آباد سازی دار قرار و دیار اخری باشد. این طراحی شهری چون صرفاً با نگاهی بسته به محدوده داخلی خود نگاه می‌کند و از غایت خود و یا مبدأ خود غافل است اگر تلاشی در راستای وحدت‌گرایی انجام می‌دهد، آن را در محدوده خود خلاصه نموده و نمی‌تواند وحدتی بوجود آورد که به معنای حقیقی وحدت بوده و اجزا و عناصر حیطة طراحی شهری را در راستای هدفی واحد موجودیتی واحد ببخشد. راه نجات از این انحراف بازگشت به تحقق وحدت حقیقی در طراحی شهری است.

۶- منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمدرضا صفوی، دفتر نشر معارف.
۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰). حس وحدت. ترجمه. حمید شاهرخ. اصفهان: خاک
۳. الکساندر، کریستوفر و همکاران (۱۳۷۳). تئوری جدید طراحی شهری. ترجمه: محمد تقی‌زاده مطلق. مشهد: شرکت مسکن سازان خراسان.
۴. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۴). یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم ترجمه: سعید زرین مهر. تهران: روزنه.
۵. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن (ویراست دوم). ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷). زبان الگو: شهرها. ترجمه: رضا کربلایی نوری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۷. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰). شهر درخت نیست. ترجمه. فرناز فرشاد و شمین گلرخ. تهران: آرمان شهر
۸. الهی‌زاده، حسین (۱۳۸۹). ساحات زندگی انسان، بخشی از سخنرانی در دوره تربیت مربی مؤسسه قرآن و عترت رهپویان امام رضا (ع)، قم.
۹. اهری، زهرا (۱۳۸۵). مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۰. اهری، زهرا (۱۳۸۷). گفتگویی پیرامون کتاب «مکتب اصفهان در شهرسازی». مصاحبه نگارنده، منتشر نشده.
۱۱. بل، سایمون (۱۳۸۷). عناصر طراحی بصری درمنظر. ترجمه: محمدرضا مثنوی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. بیکن، ادموند (۱۳۸۶). طراحی شهرها (چاپ سوم). ترجمه: فرزانه طاهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۳. توسلی، محمود (۱۳۷۶). طراحی شهری در بخش مرکزی تهران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۱۴. توسلی، محمود (۱۳۸۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران (چاپ اول، با اصلاحات). تهران: انتشارات پیام و پیوند نو.
۱۵. توسلی، محمود (۱۳۸۲). اصل ارتباط در طراحی شهری هنرهای زیبا، شماره ۱۴، ص ۳۹-۳۲.

۳۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه: رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.
 ۳۳. وُنگ، وُسیوس (۱۳۸۸). اصول فرم و طرح (چاپ هفتم). ترجمه: آزاده بیدار بخت و نسترن لواسانی تهران: نی.
 ۳۴. هدمن، ریچارد و یازوسکی، آندرو (۱۳۸۷). مبانی طراحی شهری (چاپ پنجم). ترجمه: راضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

35. Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S. (2006). Public Places, Urban Spaces. Oxford: Elsevier.

36. Alexander, Ch. (2002). The Nature of Order: An Essay on The Art of Building and The Nature of The Universe, 1, The Phenomenon of Life. California: The Center for Environmental Structure.

37. Moughtin, C. (2003). Urban Design: Street and Square. Oxford: Elsevier.

۷- پی‌نوشت‌ها

۱. سوره بقره، آیه ۳۰: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد.
 ۲. سوره طه، آیه ۵۰: پروردگار ما همان کسی است که هستی درخور هر چیزی را به آن داده، سپس آن را به راه کمال هدایت کرده است.
 ۳. برای توضیح مفصل هر یک از واژگان مرتبط با وحدت، آراء صاحب‌نظران در مورد هریک و ارتباطشان با مقوله وحدت به منبع شماره صفحات ۸۱-۱۱۶ مراجعه شود. با توجه به محدودیت حجم این نوشتار از آوردن توضیحات تفصیلی معذوریم.
 ۴. برای مثال تعبیر آن‌ها از فرآیند عروج و نزول روح و ارتباط انسان با عالم صغیر و کبیر به مفهوم دایره و دو قوس نزدیک می‌شود. یک قوس، قوس عروج یا صعود است که انسان از عالم صغیر به عالم کبیر ترقی پیدا می‌کند و در قوس دیگری انسان از عالم کبیر به عالم صغیر منتقل می‌شود و سیر نزولی می‌یابد. در این تعبیر مفهوم و فرآیندی مجرد به دلیل شباهت‌های اولیه که به ذهن تداعی شده و متبادر می‌گردد به شکل دایره که کاملاً پیوسته و بدون شکست است (و سایر خصوصیات دایره) اسناد داده می‌شود. ردپایی از این تفکر را در نگاه افلاطون به اشکال و احجام نیز می‌توان پیگیری کرد (توسلی، ر.ک.، ۱۳۸۳، هنر هندسه: پویایی اشکال، احجام کروی ابوالوفای بوزجانی).

۱۶. توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۸۶). طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری (چاپ دوم). تهران: شهیدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۱۷. توسلی، محمود (بی‌تا). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۱۸. تولایی، نوین (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: امیرکبیر

۱۹. آملی، عبدالله (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست (چاپ سوم). قم: مرکز نشر اسرا.

۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تبیین براهین اثبات خدا (چاپ پنجم). قم: مرکز نشر اسرا.

۲۱. چینگ، فرانک (۱۳۸۶). فرم، فضا، نظم (چاپ سوم). ترجمه: علیرضا تغابنی و سیده صدیقه قویدل. تهران: کتاب آراد با همکاری اندیشه خلاق.

۲۲. حمیدی، ملیحه و همکاران (۱۳۷۶). استخوان بندی شهر تهران، جلد اول: بررسی مفاهیم و نمونه (ایران و جهان). تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران

۲۳. داندیس، دونیس ا. (۱۳۸۸). مبادی سواد بصری (چاپ دوم). ترجمه: سعید آقایی. تهران: گنج هنر.

۲۴. صبوحی طسوجی، علی (۱۳۸۹). تدبیر سوره مبارکه ملک، متن پیاده شده جلسه اول تربیت استاد. قم: مؤسسه تدبیر در قرآن کریم، منتشر نشده.

۲۵. عمومی، محمد (۱۳۸۷). معماری، الگو و نظم. تهران: نشر خاک

۲۶. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران: امیرکبیر

۲۷. گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۳). زیبایی شناسی در معماری. (چاپ دوم). ترجمه: عبدالرضا همایون. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۸. مایس، پی یر فون (۱۳۸۶). عناصر معماری از صورت تا مکان (چاپ دوم). ترجمه: فرزین فردانش. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۹. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی (چاپ سوم). ترجمه: فرهاد مرتضایی. تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران.

۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۹۳ ق.ه). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۳۱. موریس، جیمز (۱۳۸۴). تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی (چاپ سوم). ترجمه: راضیه رضازاده. تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

۵. سوره ملک، آیه ۳: همان کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. تو ای کسی که چشم بینا داری، در آفریده‌های خدای رحمان هیچ اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی، چراکه همه روی به سوی هدفی دارند که برایشان مقرر شده است و برای رسیدن به مقصد خود از شرایط لازم برخوردارند. باز چشم به سوی آفریده‌ها برگردان و بادقت در آن‌ها بنگر، آیا خلل و نقصانی در آن‌ها می‌بینی؟

۶. سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۴: بگو هرکسی براساس ساختار روانی خود عمل می‌کند.

۷. سوره مبارکه یس، آیات ۴۰-۳۸: و خورشید آیت و نشانه‌ای دیگر است که پیوسته روان است تا آن گاه که با فرا رسیدن اجلش به استقرار و سکونی که برای آن تعیین شده است برسد. این، اندازه‌گیری خداوند است که هیچ کس و هیچ چیز بر او فایق نمی‌آید و به همه مصلحت‌ها دانا است (۳۸). و برای حرکت ماه منزل‌هایی (بیست و هشتگانه) را به اندازه معین کردیم. ماه این منزل‌ها را می‌پیماید تا به جایگاه نخست خود بازگردد و به‌سان چوب خوشه‌ی نخل که دیری از آن گذشته و منحنی شده است [به صورت هلال] دیده شود (۳۹). نه خورشید را می‌سزد که ماه را دریابد و نه شب بر روز پیشی گیرنده است؛ هر یک از این‌ها و دیگر ستارگان چون ماهیان دریا در مداری شناورند (۴۰).

۸. سوره مبارکه ملک، آیه ۱۹: آیا به پرندگان که بالای سرشان در حال پروازند و بال‌های خود را می‌گشایند و جمع می‌کنند، نظر ندوخته‌اند؟ جز خدای رحمان هیچ کس آن‌ها را در آسمان نگاه نمی‌دارد. قطعاً او به هر چیزی بینا است.

۹. منظور از نظام غایی، طیفی از اهداف، آرمان‌ها، انگیزه‌ها و نیت هاست که اجزاء را برای حرکت در مسیری خاص تحریش و تحریک می‌نماید. به عبارتی نظامی از غایات و اهداف که به‌عنوان علل به‌وجود آمدن و حرکت مجموعه‌ای از اجزاء عمل می‌نمایند.

۱۰. سوره مبارکه ملک، آیه ۲: همان که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید و مشخص کند که کدامتان نیکوکارترید.

